

گفتگو با بهترین‌های علمی

تلاش کمتر + هوش بیشتر > تلاش بیشتر + هوش کمتر *

○ خودتان را معرفی کنید؟

● من محمد شاهی متولد سال ۱۳۶۳ ه.ش در شهر تبریز و دانش‌آموز مرکز پیش‌دانشگاهی شهیدمدنی تبریز در رشته ریاضی فیزیک هستم که امسال با معدل ۱۹/۴۲ از این مرکز فارغ‌التحصیل شدم. پدرم دبیر فیزیک و مادرم دفتردار یکی از مدارس راهنمایی تبریز است و تنها یک خواهر دارم که او نیز در رشته فیزیک کاربردی مشغول تحصیل است.

○ چه احساسی دارید از اینکه توانسته‌اید این مقام را برای میهن اسلامی ایران کسب کنید؟

● از اینکه توانسته‌ایم این مقام را کسب کنیم خیلی خوشحال هستیم.

○ از نظر شما، مهمترین عامل موفقیت دانش‌آموزان در المپیادها چیست؟

● تلاش، پشتکار و کوشش مهمترین عامل موفقیت است.

○ نقش استعداد و هوش را در این آزمون‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● طبیعتاً برای انجام هر کاری یک مقدار هوش و استعداد لازم است، اما تلاش و پشتکار عامل اصلی است و شانس موفقیت یک نفر که از هوش کمتری برخوردار است و تلاش زیادی می‌کند

* گفتگو با محمد شاهی / مرکز شهیدمدنی تبریز (سمپاد) و برنده مدال نقره المپیاد جهانی شیمی در سال ۱۳۸۱ - کیهان / ۲۹

نسبت به دیگری که هوش بالاتری دارد ولی تلاش نمی‌کند، بیشتر است.

○ سؤالهای امسال المپیاد شیمی نسبت به سال‌های قبل چگونه بود؟

● سؤالات هر سال بستگی دارد به نوع کشوری که سؤال‌ها را طرح می‌کند، سؤالات امسال بیشتر در زمینه بیوشیمی بود، اما سطح علمی آنها نسبت به نوع آموزشی که در کشور دیده بودیم، سخت نبود.

○ آیا امکان کسب مقام بالاتری برای جمهوری اسلامی وجود نداشت؟

● برای هر چهار نفر و تیم ما امکان موفقیت بیشتری وجود داشت، ولی متأسفانه یک سری بی‌دقتی‌ها موجب شد که به مقام‌های بالاتر دست پیدا نکنیم.

○ چه پیامی برای دانش‌آموزان دبیرستان دارید؟

● پیام من این است که رشته مورد علاقه خود را درست انتخاب کنند و در آن رشته تلاش کنند که انشاءالله به خواست خدا موفق شوند.

○ تعریف شما از موفقیت چیست؟

● تعریف من از موفقیت این است که انسان در مسیری تلاش کند که به آن علاقه دارد. این موفقیت اصلی برای هر انسانی است. کسب رتبه و مقام در آزمون‌ها در مراحل بعدی موفقیت قرار می‌گیرد.

○ روزانه چند ساعت صرف مطالعه کتاب‌های درسی می‌کردید؟

● به غیر از ساعات کلاس، روزی سه یا چهار ساعت، البته در روزهای تعطیل وقت بیشتری می‌گذاشتم.

○ بقیه اوقات خود را چگونه سپری می‌کردید؟

● بقیه اوقات را صرف مطالعه کتاب‌های دیگر مانند کتاب‌های رمان، ورزشی و تماشای برنامه‌های مفید تلویزیون می‌کردم.

○ چه نوع ورزشی را بیشتر دوست دارید؟

● دوچرخه‌سواری.

○ کدامیک از ورزشکاران ملی را بیشتر دوست دارید؟

● همه ورزشکاران ملی مایه افتخار ما و کشور هستند و همه آنها را دوست داریم و به نظر من هیچ فرقی با یکدیگر ندارند.

○ چه نوع فیلم‌هایی را بیشتر تماشا می‌کنید؟

● فیلم‌هایی که بیانگر و نمایشگر اراده انسان و دارای اهداف عالی باشند.

○ چقدر به سینما می‌روید؟

● خیلی کم، سالی سه یا چهاربار، خیلی فیلمها را من از طریق سی‌دی و تلویزیون می‌بینم.

○ در طول سال معمولاً روزی چند ساعت تلویزیون نگاه می‌کنید؟

● متفاوت است، ولی به طور متوسط روزی حدود ۲ ساعت.

○ بهترین دوست شما کیست؟

● من معتقدم که همه افراد دوستان ما هستند و باید با آنها روابط دوستانه داشت، من روی شخص

خاصی دست نمی‌گذارم و درست نمی‌دانم که روابط دوستانه را به چند نفر محدود کنم.

○ دوست خوب چه ویژگیهایی دارد؟

● یک دوست خوب کسی است که دارای روابط متقابل باشد. زیرا روابط دوستانه یک کار دو

طرفه است. به نظر من صداقت، کمک به دوستان در سختیها و مشکلات، راهنمایی کردن، تشویق

همه‌گیر به مسائل خوب، پرهیز از خودخواهی و حفظ احترام متقابل بهترین ویژگیهای دوستان خوب

می‌باشد. ما نباید از دیگران انتظار داشته باشیم که یک سری مشخصات خاصی داشته باشند و آنها را

در یک ویژگیهای خاصی محدود کنیم. انسانها متفاوت هستند و هر کسی می‌تواند دارای ویژگیهای

خاص خود باشد.

○ چه نوع هنرهایی را بیشتر دوست دارید؟

● تمام هنرها دوست داشتنی هستند.

○ شما چه هنری دارید؟

● من سعی کرده‌ام استعدادهایم را در زمینه‌های علمی جهت دهم.

○ چرا در سایر رشته‌های المپیاد شرکت نکردید؟

● من به رشته شیمی علاقه داشتم و انسان باید تلاش کند که در رشته مورد علاقه‌اش شرکت کند.

○ از چه چیزهای رشته شیمی خوش آمده‌است؟

● از همه مسائل شیمی خوشم می‌آید، شیمی یک رشته جذاب برای من است.

○ در چه رشته‌ای می‌خواهید ادامه تحصیل دهید؟

● انشاءالله در رشته شیمی دانشگاه صنعتی شریف.

○ آخرین کتاب غیر درسی که خوانده‌اید چه بوده‌است؟

● کلیات سعدی.

○ به شعر هم علاقه دارید؟

- بله، سرودن شعر یک هنر است و همه هنرها زیبا هستند.
- غیر از کتابهای علمی به خواندن چه نوع کتابهایی علاقه دارید؟
- کتابهای فلسفی، شعر، داستان، رمان و کتابهای دینی متناسب با نیازهای سنی خودم.
- از کدامیک از دانشمندان بیشتر خوشتان می‌آید؟
- همه دانشمندان زحمت کشیده‌اند و باید قدردان همه آنها بود و همه آنها را دوست داشت.
- نظر شما درباره برگزاری المپیاد چیست؟
- رقابتهای علمی مانند المپیاد بسیار ضروری است. المپیاد اگرچه یک رقابت علمی است اما در رشد علوم پایه کشور سهم بسزایی دارد و گرایش جوانها به علوم پایه با ایجاد چنین مسابقاتی بیشتر می‌شود. برگزاری این المپیادها صرف نظر از نتایج آن موجب می‌شود که با فرهنگها و چهره‌های علمی کشورهای مختلف جهان آشنا شویم.
- چگونه می‌توان از تبدیل رقابت به حسادت جلوگیری کرد؟
- بستگی به خود افراد دارد. هرچه این رقابتها سالمتر برگزار شود و موجب تبعیض نشود، موجب حسادت نمی‌گردد.
- در منزل، چه کمکی به اعضای خانواده می‌کنید؟
- من هر کمکی که از دستم برآید به اعضای خانواده می‌کنم و معنی روابط خانوادگی سالم این است که همه افراد در خانه احساس مسئولیت کنند و همدیگر را کمک کنند. من در خرید وسایل مورد نیاز خانه، انداختن و جمع کردن سفره غذا و مرتب کردن منزل کمک می‌کنم. بچه‌ها باید برای کمک به پدر و مادر از هیچ اقدامی دریغ نورزند.
- چه نوع غذاهایی را بیشتر دوست دارید؟
- من همه غذاهای سنتی ایران مثل کوفته تبریزی و آب گوشت را دوست دارم.
- چند نفر از بهترین معلمان خود را نام ببرید.
- همه معلمان من زحمت کش بودند و همه آنها را دوست دارم. به نظر من زحمتی که یک معلم برای دانش‌آموزان می‌کشد قابل جبران نیست. من غلام همه معلمان کشور هستم.
- بهترین نمرات را معمولاً از کدام درسها می‌گرفتید؟
- ریاضی، فیزیک و شیمی که نمره آنها معمولاً بالای ۱۹ بود.
- بزرگترین آرزوی شما چیست؟
- بزرگترین آرزوی من این است که هر چه بیشتر به کشور و مردم خوب ایران خدمت کنم.

بزرگترین آرزوی من سربلندی کشور است*

○ خودتان را معرفی کنید.

● من جبار آقایی در سال ۱۳۶۳ در شهری متولد شده‌ام، دانش‌آموز رشته ریاضی فیزیک مرکز پیش دانشگاهی امام خمینی (ره) نازی آباد تهران هستم. پدرم کارگر تأسیسات مجموعه ورزشی آزادی است و مادرم خانه‌دار می‌باشد. سه برادر و یک خواهر دارم. یکی از برادرانم دانشجوی رشته صنایع دانشگاه علم و صنعت و خواهرم دیپلم تجربی و برادر دیگرم دانشجوی رشته حسابداری دانشگاه امام حسین (ع) و برادر دیگرم دانش‌آموز سال اول دبیرستان بهشتی شهرری (سمپاد) است. معدل دیپلم من ۱۹/۵۴ گردید.

○ مهمترین عامل موفقیت بچه‌های المپیاد را در چه چیزهایی می‌بینید؟

● بعد از یاری خدا، تلاش، پشتکار، همت بچه‌ها، حس رقابت، کمک خانواده‌ها و زحمت معلمان و اساتیدی که با ما کار می‌کردند مهمترین عامل موفقیت ما بوده است.

○ به نظر شما تیم ایران می‌توانست مقام بالای تری کسب کند؟

● بله، اگر امکاناتی که کشورهای اروپایی داشتند، ما هم می‌داشتیم، می‌توانستیم مقام بالاتری را کسب کنیم. نمرات بچه‌های ما در بخش آزمایشگاه ضعیف بود و یک مقدار هم استرس بچه‌ها موجب شد که مقام بالاتری کسب نکنیم.

○ چرا استرس داشتید؟

● وقتی که انسان وارد یک کشور غریبه می‌شود و برای اولین بار در یک آزمون بین‌المللی شرکت می‌کند، طبیعی است که انسان یک مقدار استرس و اضطراب داشته باشد.

○ شما روزانه چند ساعت صرف مطالعه کتابهای درسی خود می‌کردید؟

● غیر از ساعات درسی، حدود پنج ساعت در روز من کار می‌کردم. و بعضی اوقات از این مدت هم بیشتر می‌شد.

○ بقیه اوقات را صرف چه کارهایی می‌کردید؟

● بیشتر فوتبال بازی می‌کردم یا تلویزیون می‌دیدم.

○ به کدامیک از ورزشها بیشتر علاقه دارید؟

* گفتگو با جبار آقایی برنده مدال برنز المپیاد جهانی شیمی (۱۳۸۱)

- من در بیشتر ورزشها کار کرده‌ام ولی به فوتبال خیلی علاقه دارم.
- کدامیک از ورزشکاران ملی کشور را بیشتر دوست دارید؟
- همه ورزشکاران ملی خوب هستند اما من علی کریمی را بیشتر دوست دارم.
- شما طرفدار تیم پیروزی هستید؟
- نه، من استقلال را بیشتر دوست دارم ولی از نظر بازیکنان، علی کریمی را بیشتر دوست دارم.
- به چه نوع فیلمهایی علاقه دارید؟
- فیلمهای پلیسی مخصوصاً فیلمهای شرلوک هولمز.
- چقدر به سینما می‌روید؟
- خیلی کم بخصوص امسال که مشغول المپیاد بودم. من بیشتر فیلمهای تلویزیون را می‌بینم.
- چند ساعت در روز تلویزیون نگاه می‌کنید؟
- بستگی به موقعیت درسی دارد. اگر کار درسی داشته باشم کمتر و اگر کار درسی نداشتم بیشتر می‌بینم.
- چند تن از دوستان خیلی خوب خودتان را نام ببرید.
- من با همه کسانی که دوست بوده‌ام انسانهای خوبی بوده‌اند و همه آنها را دوست دارم.
- به نظر شما بهترین دوست کیست؟
- بهترین دوست کسی است که خیر دوست خود را بخواهد و بدی برای دوستش نخواهد. همیشه یار و همدم انسان باشد و اگر دوستش نیاز داشت او را کمک کند و از نظر اخلاقی فردی مؤمن، درستکار، با خدا و صادق باشد.
- چه نوع هنرهایی را بیشتر دوست دارید؟
- من نقاشی را بیشتر دوست دارم. من در دوره راهنمایی خیلی نقاشی می‌کشیدم ولی در سالهای اخیر یک مقدار کمتر شده است.
- آخرین کتاب غیردرسی که خوانده‌اید چیست؟
- مجموعه شعر اخوان ثالث آخرین کتاب غیردرسی بوده است که من خوانده‌ام.
- چه نوع کتابهای غیردرسی را بیشتر دوست دارید؟
- کتابهای شعر و ادبیات مانند اشعار حافظ و شعر نو.
- کدامیک از دانشمندان را بیشتر دوست دارید؟
- من مرحوم دکتر حسابی را خیلی دوست دارم.

○ چرا در سایر رشته‌های المپیاد شرکت نکردید؟

● اتفاقاً من در رشته‌های ریاضی و فیزیک هم شرکت کردم ولی چون باید فقط یک رشته انتخاب می‌کردیم، شیمی را ترجیح دادم. من در اوایل به فیزیک خیلی علاقه داشتم ولی وقتی به شیمی نزدیک شدم دیدم که شیمی هم رشته بسیار خوبی است و در این رشته ادامه تحصیل دادم.

○ می‌خواهید در چه دانشگاهی و در چه رشته‌ای ادامه تحصیل دهید؟

● شیمی دانشگاه صنعتی شریف.

○ نظر شما در باره برگزاری این المپیادها چیست؟

● المپیاد یک ریسک بزرگی است و کسی که به سمت المپیاد می‌آید باید قبول کند که ممکن است موفق نشود و در صورتی که موفق نشد ناراحت نشود. به نظر من المپیاد یک کار خوبی است و راه میانبری به سمت دانشگاه است. سطح آن از نظر علمی خیلی بالاتر از سطح دبیرستانهاست و بنابراین آدم از این طریق مطالب بیشتری یاد می‌گیرد و مجبور است که رشته دلخواه خودش را تعیین کند چون نمی‌توان در چند رشته ادامه تحصیل داد و باید حتماً یک رشته علمی را انتخاب نماید.

○ چگونه می‌توان جلو تبدیل رقابت به حسادت را گرفت؟

● به نظر من این رقابت‌ها تبدیل به حسادت نمی‌شوند چون جو آن کاملاً دوستانه است و در دوره تابستان که با هم آشنا می‌شوند، در کنار همدیگر یک زندگی جمعی می‌کنند و حس دوستی آنها افزایش پیدا می‌کند و باعث می‌شود که نگذارند این رقابت تبدیل به حسادت شود.

○ در کارهای خانواده چه کمکی به اعضای خانواده می‌کنید؟

● هر کمکی که از دستم برآید انجام می‌دهم. مثل خرید وسایل مورد نیاز خانه، تمیزکردن خانه، تعمیرات منزل، کمک به پدر در انجام وظایف شغلی او و ...

○ چه نوع غذایی را بیشتر از همه دوست دارید؟

● قورمه سبزی

○ بهترین معلمان شما چه کسانی بودند؟

● آقای برادران معلم ادبیات ما در مدرسه راهنمایی خیلی خوب بود در دوره دبیرستان، همه معلمان ما خوب بودند و همه آنها را دوست دارم. آنها نقش زیادی در موفقیت من داشتند و کمکهای زیادی به من کردند. من هیچ وقت آنها را فراموش نمی‌کنم.

○ اگر در آینده یک مقام بالای کشوری پیدا کردید برای معلمان خود چه خواهید کرد؟

● من اگر کاره‌ای شوم سعی می‌کنم به وضعیت رفاهی معلمان کشورم خیلی خوب برسم. همه

معلمان کشور گردن ما حق دارند.

○ نمرات کدامیک از درسهای شما بالاتر بود؟

● معمولاً نمرات درسهای ریاضی، فیزیک و شیمی من بالا بود و ۱۸ به بالا می‌شدم.

○ بزرگترین آرزوی شما چیست؟

● بزرگترین آرزوی من این است که کشور ایران در همه جهان سر بلند شود و همه مردم ایران در رفاه و آسایش زندگی کنند.

اعتماد به نفس این است رمز موفقیت *

○ خودتان را معرفی کنید

● من حامد شاطری نجف آبادی متولد ۱۳۶۳ در شهر نجف آباد هستم. بنده برنده مدال طلای المپیاد زیست‌شناسی کشوری در سال ۱۳۸۰ و مدال نقره المپیاد زیست‌شناسی جهانی لتونی در سال ۲۰۰۲ هستم.

○ دانش آموز کدامیک از مراکز پیش‌دانشگاهی هستید.

● من در دبیرستان و مرکز پیش‌دانشگاهی شاهد امام مهدی (عج) نجف آباد درس خوانده‌ام که در خردادماه امسال با معدل پیش‌دانشگاهی ۱۹/۷۳ از این مرکز فارغ التحصیل شدم.

○ بچه چندم خانواده هستید؟

● بچه سوم خانواده هستم. یکی از خواهران من پزشک و خواهر دیگرم دانشجوی سال آخر پزشکی است.

○ پدر و مادر شما چه کار می‌کنند؟

● هر دو دبیر بازنشسته هستند.

○ سؤالات این دوره المپیاد جهانی زیست‌شناسی چگونه بود؟

● در مقایسه با سالهای قبل خیلی مشکلتر، اما با کیفیت بالاتر و در مجموع بهتر بود.

○ آیا امکان اینکه تیم ایران مقام بالاتری کسب کند، وجود نداشت؟

● تیم ایران تمام تلاش خود را به کار گرفت و خیلی خوب ظاهر شد و از کشورهایی که در

سالهای قبل جلوتر بودند مانند هند جلوتر افتاد، ولی کشورهایی مانند انگلستان امسال خیلی قوی تر از سالهای قبل ظاهر شدند و کلاً باعث شد که تیم ایران مقام سال گذشته خود را حفظ کند.

○ در این نوع مسابقات، عوامل اصلی موفقیت چیست؟

● عامل اصلی موفقیت فردی، توانایی استنتاج و استنباط بالا، داشتن اطلاعات مربوط به المپiad و مهارتهای آزمایشگاهی است و عامل موفقیت تیمی، همکاری و هماهنگی اعضای تیم در ارتقای مهارتهای فردی کلیه اعضای تیم می باشد.

○ تعریف شما از موفقیت در زندگی چیست؟

● کسی در زندگی موفق است که افسوس لحظات گذشته زندگی را نخورد.

○ ارزیابی شما از برگزاری این نوع مسابقات و المپیادها چیست؟

● مسلماً برگزاری این نوع مسابقات در سطح کشور باعث ارتقاء علمی دانش آموزان کشور می شود و در سطح جهانی باعث برقراری رابطه بین دانش آموزان کشورهای مختلف می شود و به هر کشوری اجازه داده می شود که سطح علمی خودش را در مقایسه با کشورهای دیگر مورد آزمون قرار دهد.

○ در چه رشته ای می خواهید ادامه تحصیل دهید؟

● در رشته پزشکی دانشگاه تهران

○ در دوره دبیرستان و مرکز پیش دانشگاهی معمولاً روزی چند ساعت درس می خواندید؟

● یک چیز ثابت نبود. قبل از کلاس سوم دبیرستان، روزی حدود یک ساعت و بعد از آن

حد اکثر روزی ۲/۵ تا ۳ ساعت درس می خواندم.

○ بقیه اوقات خود را صرف چه کارهایی می کردید؟

● برنامه ریزی با کامپیوتر و خواندن کتاب های مورد علاقه.

○ چه نوع کتابهایی را بیشتر دوست دارید؟

● کتاب های علمی، داستان های تخیلی و کتابهای تاریخی

○ در روز چند ساعت تلویزیون می بینید؟

● من معمولاً زیاد تلویزیون نگاه نمی کنم. بین نیم تا یک ساعت در روز.

○ سینما هم می روید؟

● بله در اوقات فراغت، معمولاً ماهی یک بار با دوستان به سینما می روم.

○ چه نوع فیلمهایی را بیشتر دوست دارید؟

● از فیلم های انتقادی اجتماعی بیشتر خوشم می آید.

○ از چه نوع ورزشی خوشتان می آید؟

● والیبال و فوتبال

○ کدامیک از چهره‌های ورزشی تیم‌های ملی را بیشتر دوست دارید؟

● همه چهره‌های تیم ملی ارزشمند هستند.

○ کدامیک از دانشمندان را بیشتر دوست دارید؟

● پاستور و اینشتین

○ بهترین معلمان شما در دبیرستان و دوره پیش‌دانشگاهی چه کسانی بودند؟

● تمام معلمان ما خوب و زحمتکش بودند و من نمی‌توانم فرقی بین آنها قائل شوم.

○ چه احساس دینی نسبت به معلمان خود می‌کنید؟

● با توجه به زحمات خیلی زیادی که معلمان برای من کشیده‌اند وظیفه خود می‌دانم که به هر وسیله و هر طوری که شده این زحمات را جبران کنم تا آنها احساس نکنند که زحمات آنها به هدر رفته است.

○ اگر شما روزی در مملکت یک مقام بالایی پیدا کنید برای معلمان خود چه می‌کنید؟

● سعی می‌کنم به نیازهای اساسی مثل نیازهای مادی، اجتماعی و معنوی آنها خوب رسیدگی کنم.

○ چند نفر از بهترین دوستان خود را نام ببرید؟

● اعضای تیم المپیاد زیست‌شناسی بهترین دوستان من هستند.

○ چرا اینها را به عنوان بهترین دوستان خود می‌شناسید؟

● در مدت یک سالی که با هم بودیم رابطه خیلی نزدیک داشتیم و رفتار و طرز فکر آنها مورد علاقه من قرار گرفت و باعث شد که دوستی محکمی بین ما برقرار شود.

○ ویژه‌گی‌های بهترین دوست چیست؟

● دوستان خوب کسانی هستند که باعث می‌شوند که انسان از نظر رفتاری و دانش به سطوح بالاتری دست پیدا کند. داشتن طرز تفکر و دید مناسب نسبت به اجتماع، کمک به دیگران و صداقت از ویژگی‌های دیگر یک دوست خوب است.

○ چه نوع هنرهایی را بیشتر دوست دارید؟

● نقاشی، موسیقی و تئاتر

○ شما چه هنری دارید؟

● من فکر می‌کنم خطاط بدی نباشم .

- علت انتخاب رشته زیست‌شناسی در المپیاد از سوی شما چه بود؟
- مطالعه کتاب‌های غیر درسی توجه مرا به سمت این رشته جلب کرد.
- در منزل به اعضای خانواده کمک می‌کنید؟
- بله، هر کمکی که از دستم برآید به اعضای خانواده می‌کنم. مانند خرید وسایل مورد نیاز خانه، کمک به خواهران و...
- نظر شما درباره تنش‌های سیاسی کشور چیست؟
- من سعی می‌کنم ذهنم را از این گونه مسائل دور نگه دارم و نظر خاصی در این زمینه ندارم.
- در دبیرستان، بهترین نمرات خود را از کدامیک از درس‌ها می‌گرفتید؟
- معمولاً نمرات من در همه درس‌ها خوب و بین ۱۹ و ۲۰ بود، اما از درس‌های ریاضی و فیزیک همیشه نمره بهتری می‌گرفتم.
- چه پیامی برای دانش‌آموزان کشور دارید؟
- اگر می‌خواهند که در راه رسیدن به یک هدف خاصی به موفقیت دست یابند حتی تا آخرین لحظه هم امید خودشان را از دست ندهند و همیشه با اعتماد به نفس حرکت کنند.
- بزرگترین آرزوی شما چیست؟
- بزرگترین آرزوی من این است که در آینده فردی موفق برای خودم و مفید برای جامعه باشم.

تلاش در جهت رسیدن به اهداف *

- خودتان را معرفی کنید؟
- من هانی گودرزی برنده مدال طلای کشوری سال ۱۳۸۰ و مدال نقره المپیاد جهانی زیست‌شناسی لتونی در سال ۲۰۰۲ هستم. متولد سال ۱۳۶۲ در تهران و دانش‌آموز مرکز پیش‌دانشگاهی علامه‌حلی (سمپاد) هستم که با معدل ۱۹/۲۸ در رشته علوم تجربی در خردادماه امسال از این مرکز فارغ‌التحصیل شدم. پدرم حسابدار یک شرکت خصوصی و مادر دبیر بازنشسته است.
- سؤال‌های امسال المپیاد زیست‌شناسی چگونه بود؟

- خیلی خوب بود بخصوص بخش تئوری خیلی بهتر از پارسال بود ولی ما در یک بخش آزمایشگاه ضعیف بودیم و همین امر موجب شد که نمره تیم خیلی پایین بیاید.
 - آیا امکان کسب مقام بالاتری برای تیم ایران وجود نداشت؟
- با شرایطی که ما داشتیم امکان کسب مقام بالاتر نبود و ما از مقامی که کسب کرده ایم راضی هستیم .
 - در این گونه مسابقات، مهمترین عامل موفقیت چیست؟
 - به شرایط امتحان بیشتر از آمادگی قبلی بستگی دارد. به این صورت که سؤالات چگونه باشد یا انسان در سر جلسه چه وضعیت روحی و جسمی داشته باشد.
 - تعریف شما از موفقیت چیست؟
 - به نظر من تلاش در جهت رسیدن به اهداف تعیین قبلی موفقیت است .
 - در چه رشته‌ای می‌خواهید ادامه تحصیل دهید؟
 - رشته بیوتکنولوژی دانشگاه تهران در مقطع دکترای پیوسته.
 - ارزیابی شما از برگزاری این نوع المپیادها چیست؟
 - برگزاری این المپیادها می‌تواند خیلی مؤثر باشد، المپیاد کشوری باعث می‌شود که بچه‌های ممتاز مناطق مختلف کشور بتوانند با همدیگر آشنا شوند و این زمینه ساز همکاری‌های آینده می‌گردد و در سطح جهانی، دانش‌آموزان کشورهای مختلف با فرهنگ‌های همدیگر آشنا می‌شوند. همچنین با برگزاری این گونه آزمون‌ها می‌توانیم سطح علمی کشور خودمان را نسبت به سایر کشورها بسنجیم.
 - در دوران پیش‌دانشگاهی و سال سوم دبیرستان روزانه چقدر وقت صرف مطالعه کتاب‌های درسی می‌کردید؟
 - روزهای غیر تعطیل سه تا چهار ساعت و روزهای تعطیل حدود ۶ تا ۷ ساعت.
 - بقیه اوقات خود را صرف چه کارهایی می‌کردید؟
 - مطالعه کتاب‌های غیر درسی مانند فلسفه و تاریخ.
 - به چه نوع ورزشی بیشتر علاقه دارید؟
 - کوهنوردی.
 - در طول سال چند بار به سینما می‌روید؟
 - بستگی به فیلم‌هایی دارد که روی کار باشد، اگر فیلم‌های خوب روی کار باشد سعی می‌کنم آنها را ببینم، معمولاً ماهی دوبار سینما می‌روم.

- چه نوع فیلم‌هایی را بیشتر دوست دارید؟
- فیلم‌های اجتماعی .
- چقدر تلویزیون نگاه می‌کنید؟
- خیلی کم .
- چرا؟
- برنامه‌های جالبی ندارد.
- بهترین دوست شما کیست ؟
- من دوستان زیادی دارم که بیشتر آنها هم‌کلاسی‌ها و اعضای تیم المپیاد هستند.
- دوستان خوب دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟
- دوستان خوب کسانی هستند که دوستان خود را تحت هر شرایطی کمک می‌کنند و موفقیت دوستان برای آنها مهم است. دوستان خوب به آدم قوت قلب و اعتماد به نفس می‌دهند و روحیه آدم را تضعیف نمی‌کنند. آنها دوستان خود را در رسیدن به اهداف کمک می‌کند، و اعتقاد، صداقت، ایثار و باورهای مذهبی نیز از ویژگی‌های دوستان خوب است.
- نقش باورهای دینی در موفقیت انسان چیست؟
- باورهای دینی باعث آرامش انسان می‌شود و کسی که آرامش داشته باشد شانس موفقیت بیشتری در کارهایش دارد.
- چه نوع هنر‌هایی را بیشتر دوست دارید؟
- نقاشی و موسیقی.
- شما چه هنری دارید؟
- نقاشی و موسیقی بلد هستم و خوش خط می‌باشم.
- چطور شد که تصمیم گرفتید در المپیاد زیست‌شناسی شرکت کنید؟
- بیشتر تحت تأثیر دوستان بزرگتر به شرکت در المپیاد زیست‌شناسی روی آوردم.
- چرا در المپیاد شیمی شرکت نکردید؟
- به رشته شیمی علاقه نداشتم.
- علت علاقه شما به رشته زیست‌شناسی چیست؟
- من به طبیعت علاقه دارم و چون زیست‌شناسی درباره طبیعت به مطالعه و تحقیق می‌پردازد به رشته زیست‌شناسی نیز علاقه دارم.

- آیا این گونه مسابقات و رقابتهای علمی باعث رشد حسادت در بین بچه‌ها نمی‌شود.
- ممکن است در یک مقطع خاص این‌حس را تحریک کند ولی نهایتاً این‌طور نیست، چون بچه‌ها با هم دوست می‌شوند و از موفقیت همدیگر لذت می‌برند.
- در منزل، چه کمک‌هایی به اعضای خانواده می‌کنید؟
- من معمولاً کمک زیادی به خانواده نمی‌کنم ولی اگر لازم باشد هر کاری که نیاز باشد، انجام می‌دهم.
- بهترین نمرات خود را در چه درس‌هایی می‌گرفتید؟
- نمرات من در همه درس‌ها خوب بود.
- بزرگترین آرزوی شما چیست؟
- رشد علمی و سربلندی کشورم ایران بزرگترین آرزوی من است.
- چه توصیه‌هایی برای دانش‌آموزان دبیرستان دارید؟
- توصیه من این است که وقت خود را تلف نکنند و از این فرصت‌ها در جهت رسیدن به اهداف اصلی خود خوب استفاده کنند.

امیررضا طلای وجودش را به مولا تقدیم کرد *

امیررضا محسن‌زاده کرمانی دانش‌آموز مرکز پیش دانشگاهی علامه‌حلی و عضو تیم دانش‌آموزی فیزیک جمهوری اسلامی ایران، ضمن کسب یک مدال طلا مقام سوم المپیاد جهانی فیزیک ۲۰۰۲ را از آن خود ساخت. وی در سفر به مشهد مقدس، مدال طلای خود را به آستان قدس رضوی تقدیم کرد و گفت: مدال طلایم را به عنوان نمادی از ابراز ارادت نسبت به ساحت مقدس حضرت رضا (ع) به پایگاه امامت و ولایت در کشور مقدس جمهوری اسلامی ایران اهداء نمودم. در همین رابطه گفت وگویی با وی انجام داده‌ایم که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم:

- خودتان را معرفی کنید.
- من امیررضا محسن‌زاده کرمانی متولد سال ۱۳۶۳ ه.ش. و دانش‌آموز مرکز پیش دانشگاهی

علامه‌حلی تهران (سمپاد) هستم. پدرم فوق‌لیسانس مدیریت صنعتی و مدیرعامل یک شرکت تولیدی و مادرم خانه‌دار است، آنها هر دو اصفهانی هستند.

○ از اینکه توانسته‌اید مقام سوم المپیاد جهانی فیزیک را به خود اختصاص دهید، چه احساسی دارید؟

● خیلی خوشحال هستم که نتیجه تلاش‌هایم را اینگونه یافته‌ام. اما اگر به چنین نتیجه‌ای هم دست نمی‌یافتم باز خوشحال بودم، زیرا وظیفه ما تلاش و کوشش است و نتیجه آن دست خداست و مطمئن هستم که خداوند خیر و صلاح ما را در همان نتیجه‌ای می‌داند که برای ما واصل می‌شود.

○ سؤالات این دوره المپیاد فیزیک نسبت به سالهای قبل چگونه بود؟

● سؤالات امسال خیلی مشکل بود و میانگین نمرات این دوره هم نشان داد که سؤالات امسال نسبت به سال گذشته سخت‌تر بوده است، زیرا میانگین نمرات امسال پایین بود. البته مشکل بودن سؤالات، از یک نظر به نفع تیم ایران، شد، چون تیم ایران از نظر تنوع خیلی قوی بود و سؤالات مشکل موجب شد که تیم‌های قوی بهترین رتبه‌ها را کسب کنند.

○ سی و سومین المپیاد جهانی فیزیک چند امتیاز داشت و ایران چه امتیازی به دست آورد؟

● مجموع امتیاز این دوره المپیاد ۲۵۰ بود که تیم چین با کسب ۱۹۵ امتیاز و چهار مدال طلا و یک مدال نقره، مقام اول و تیم جمهوری اسلامی ایران با کسب ۱۹۰ امتیاز و پنج مدال طلا، مقام دوم جهان را کسب کرد.

○ چطور تیم چین با چهار مدال طلا و یک نقره مقام اول این دوره المپیاد جهانی فیزیک را کسب کرد در صورتی که ایران با پنج مدال طلا مقام دوم شد؟

● در این دوره از المپیاد فیزیک، هر یک از اعضا می‌توانستند ۵۰ امتیاز کسب کنند و اگر کسی بالاتر از ۳۶ نمره کسب می‌کرد، مدال طلا می‌گرفت و چون همه اعضای تیم ایران بالاتر از نمره ۳۶ شدند، به همه اعضا مدال طلا تعلق گرفت، در صورتی که از تیم چین چهار نفر بیشتر از ۳۶ و یک نفر کمتر از ۳۶ شدند، اما از نظر کل امتیاز، تیم چین در مجموع ۱۹۵ امتیاز و ایران ۱۹۰ امتیاز کسب کرد و به همین دلیل تیم چین اول و تیم ایران دوم شد.

○ شما چه نمره‌ای کسب کردید و نفرات اول و دوم چند شدند؟

● نمره من ۴۱/۷۵ صدم شد، نمره نفر اول این المپیاد که یک دانش‌آموز ویتنامی بود ۴۵/۴ دهم و نمره نفر دوم که یک دانش‌آموز چینی بود، ۴۲/۲ دهم شد.

○ مهمترین عامل موفقیت در این نوع مسابقات چیست؟

● کوشش و تلاش، توکل بر خدا و آرامش روحی از عوامل اصلی موفقیت انسان در همه کارهاست. اما درک و فهم درست از مفاهیم فیزیک نقش مهمی در موفقیت انسان در مسابقات فیزیک دارد.

○ در سال گذشته، روزانه چقدر از وقت خود را صرف مطالعه می‌کردید؟

● این مدت متغیر بود. هفته‌های قبل از امتحان روزی چهار تا پنج ساعت وقت می‌گذاشتم و در سایر روزها حدود یک ساعت کار می‌کردم.

○ بقیه اوقات خود را صرف چه کارهایی می‌کردید؟

● نصف روز که صرف حضور در کلاس می‌شد و بقیه اوقات را صرف خواندن روزنامه و کتابهای غیردرسی، تماشای تلویزیون، خطاطی و یک روز در میان فوتبال بازی می‌کردم.

○ به چه نوع ورزشهایی علاقه‌مند هستید؟

● من سه ورزش را خیلی دوست دارم: شنا، کوهنوردی و فوتبال.

○ کدامیک از ورزشکاران تیم ملی را بیشتر دوست دارید؟

● من همه کسانی که برای کشورم افتخار کسب می‌کنند را دوست دارم.

○ از چه نوع فیلم‌هایی بیشتر خوشتان می‌آید؟

● من از فیلمهای آقای حاتمی کیا خیلی خوشم می‌آید و به ایشان ارادت خاصی دارم و سعی می‌کنم فیلمهای ایشان را اولین بار که اکران می‌شود ببینم؛ مثلاً همین ارتفاع پست را من در دهه فجر گذشته دیدم. البته از فیلمهای زیرنور ماه آقای رضا میرکریمی و رنگ خدای مجید مجیدی هم خیلی خوشم آمد.

○ چه زمانهایی به سینما می‌روید؟

● هر وقت فیلم خوب روی پرده باشد.

○ چقدر تلویزیون نگاه می‌کنید؟

● این اواخر خیلی کم، ولی اگر برنامه خوبی داشته باشد می‌بینم، مثل وقتی که فیلم خوبی یا برنامه‌ای که مفهوم داشته باشد و تماشای آنها انسان را مفرح سازد.

○ ساعت چند از خواب بیدار می‌شوید؟

● بین ۵ تا ۷ صبح.

○ شبانه روز چند ساعت می‌خوابید؟

● به طور متوسط بین ۶ تا ۷ ساعت.

○ به نظر شما دوست خوب دارای چه ویژگی هایی است؟

● این یک امر قلبی است زیرا انسان، به افراد، بیشتر از نظر قلبی دور و نزدیک می شود. البته علاوه بر میل قلبی، برای من دو ویژگی بسیار مهم است: یکی پابندی به اصول و دوم از خودگذشتگی و ایثار.

○ چه هنری دارید؟

● خطاطی

○ غیر از کتابهای درسی چه نوع کتابهایی را مطالعه می کنید؟

● حافظ و قرآن.

○ الگوی شما در زندگی کیست؟

● قرآن می فرماید: ولکم فی رسول اللہ اسوة حسنة الگوی من حضرت رسول اکرم (ص) است.

○ به نظر شما این نوع مسابقات و رقابت های علمی چه فایده ای دارد؟

● یکی از فایده های اصلی این نوع مسابقات مبادلات فرهنگی و گفتگوهایی است که بین بچه های کشورهای مختلف می شود. نقطه قوت دیگر برگزاری این نوع مسابقات این است که بچه ها روی رشته مورد علاقه خود خوب کار می کنند، اما تأثیر منفی این مسابقات این است که عده ای به علت محدود بودن ظرفیت پذیرش، انتخاب نمی شوند و ضربه روحی می خورند.

این یکی از ضعف های بزرگ المپیاد است که مثلاً ۴۰ نفر در کل کشور انتخاب می شوند که همه آنها از نظر توان و استعداد در سطح بالایی هستند ولی در آخر تنها ۷ نفر آنها انتخاب می شوند و ۵ نفر به المپیاد جهانی اعزامی می شوند و ۳۳ نفر بقیه حتی به دانشگاه نمی توانند راه پیدا کنند. آنها حدود ۹ ماه قبل از اعزام تیم از ما جدا می شوند و مجبور می شوند که به سمت کنکور بروند و تلاش کنند که به دانشگاه راه پیدا کنند.

من پیشنهاد می کنم ترتیبی اتخاذ شود که هر ۴۰ نفر بتوانند به دانشگاه راه پیدا کنند زیرا انصافاً همه آنها توان و استعداد ورود به دانشگاه را دارند.

○ در انجام کارهای خانه، چه کمکی به والدین می کنید؟

● من در خرید خانه، شستن ظرف ها و انجام برخی از کارهای پدرم، کمک می کنم. البته امسال در منزل کمتر کار کردم، زیرا گرفتاری های درسی من زیاد بود.

○ چطور شد که رشته فیزیک را انتخاب کردید؟

● احساس کردم که در این درس قوی تر هستم، من هم به فیزیک و هم به دبیران فیزیک علاقه

زیادی دارم و استفاده مفهومی و عملی از مفاهیم فیزیک در محیط اطراف خود برای من خیلی لذت بخش است.

○ در چه رشته‌ای و در کدام دانشگاه ادامه تحصیل می‌دهید؟

● در رشته برق دانشکده فنی دانشگاه تهران.

○ نظر شما درباره مسائل سیاسی جامعه چیست؟

○ سیاست دو معنی دارد، یک معنی بدی که در اذهان عمومی است که سیاست کثیف است، یکی هم حرف مرحوم مدرس که فرمود سیاست ما جدا از دیانت ما نیست. سیاست اگر به مفهوم خدمت به دین و مملکت باشد باید همه در آن مشارکت کنند ولی اگر مفهوم آن کارهایی باشد که ابرقدرت‌ها می‌کنند نباید وارد شد، چون آن کارها، کارهای خوبی نیستند.

○ بزرگترین آرزوی شما چیست؟

● من هیچ آرزوی خاصی ندارم.

○ به عنوان آخرین سؤال، چه پیامی برای دانش‌آموزان دارید؟

● من در زندگی همیشه از یک آیه خیلی خوشم می‌آمد و آن این بود که «لَیْسَ لِلْإِنْسَانِ الاَّ مَا سَعَى» براساس این آیه ما باید در زندگی تلاش کنیم و نتیجه آن به عهده خداست. بنابراین توصیه من این است که آنها همیشه تلاش و کوشش کنند و نتیجه آن را به خدا بسپارند.

افتخار آفرینان عرصه المپیاد جهانی کمبود امکانات را علت اول مهاجرت مغزها می‌دانند*

امسال، دانش‌آموزان، کشورمان در سی و سومین المپیاد جهانی فیزیک در اندونزی شگفی آفریده، با کسب ۵ مدال طلا به مقام دوم جهان دست یافتند.

یوسف عباسی اصل از جمله اعضای تیم المپیاد جمهوری اسلامی ایران در رشته فیزیک می‌باشد. وی ۱۸ سال دارد. پدرش دارای فوق تخصص روانپزشکی و مادرش فوق لیسانس روانشناسی، برادر وی دارای لیسانس مکانیک بوده و خواهرش در سال اول دبیرستان به تحصیل اشتغال دارد. در گفتگویی با وی از دلایل رموز موفقیت وی پرسیده، پاره‌ای از مسایل مبتلا به صحنه آموزش پژوهش

والمپیاد کشور را با وی مورد کنکاش قرار دادیم.

وی درخصوص دلایل موفقیت خود به خبرنگار ما گفت: «لطف خدا و اینکه او می‌خواست من در این مرحله زندگی با چنین پیروزی که می‌تواند محرکی برای پیروزیها و پیشرفتهای بعدی‌ام باشد مواجه شوم بزرگترین و مهمترین دلیل توفیقم بود و من به وضوح دست و لطف خدا را در گام به گام این مسیر طولانی و سخت ملاحظه کردم.»

وی با تشکر از والدین خود می‌گوید: «پدر و مادرم نیز با فراهم کردن فضای علمی و تشویقها و انتقال تجاربشان نقش مهم و تعیین کننده‌ای در تحصیل این موفقیتها ایفا کردند و در کنار آنها پیگیریها و دلسوزیهای معلمین سخت کوش را نیز نباید نادیده گرفت که در همین جا از آنان نیز سپاسگزاری می‌کنم.»

وی درخصوص نحوه ورودش به صحنه المپیاد گفت: «سه سال پیش بود که از تلویزیون صحنه ورود المپیادها را مشاهده کردم که چقدر عزتمندانه پا به کشور می‌گذاشتند. از همان موقع تصمیم به حضور در این صحنه گرفتم و قدم به قدم که پیشتر آمدم به موفقیتیم امیدوارتر و برای آن مصمم‌تر شدم.»

وی در خصوص برنامه آینده خود می‌گوید: «رشته مهندسی برق شریف را به عنوان رشته دانشگاهی‌ام انتخاب خواهم کرد چون این رشته ارتباطی نزدیک با فیزیک دارد ضمن آنکه در سطح بالاتر امکان ابتکار و جای پیشرفت بالایی دارد که همین امر برای من که دوستدار پژوهش هستم و نه مدرک، انگیزه قابل توجهی است.»

وی درخصوص اینکه اگر بخواهد مدال طلای خود را به کسی هدیه کند او چه شخصی خواهد بود گفت: «به مادرم، مدالم را هدیه می‌کنم. اوایی که علاوه بر مادری، برایم در نقش یک دوست - یک مشاور و یک همراه خوب به ایفای وظیفه پرداخت و موفقیتیم را مرهون زحمات و لطف او می‌دانم و احساس می‌کنم هدیه این مدال، کمترین کاری است که می‌توانم در قبال زحمات او انجام دهم.»

عباسی اصل در پیامی به جوانان می‌گوید: «در آغاز هر راهی، ابتدا هدف خود را مشخص کنید چون این کار باعث می‌شود در استفاده از انرژی هایتان بهینه‌تر عمل کرد. از اتلاف آن پیشگیری کنید. بعد از اینکه هدف خود را مشخص کردید به آن علاقه پیدا کنید و علاقه خود را به آن مستحکم سازید و پشتکار به خرج دهید. در این صورت است که علم - علاقه و پشتکار می‌تواند موفقیت شما را در درازمدت رقم زده شما را به آرزوهایتان نایل گرداند.»

احسان آگنج یکی دیگر از افتخارآفرینان عرصه المپیاد فیزیک می‌باشد که توانست در سی و سومین دوره المپیاد جهانی فیزیک مدال طلا را از آن خود نماید.

وی دارای ۱۸ سال سن است پدرش پزشک آزمایشگاه و مادرش مامااست. برادر وی «ایمان» نیز سال گذشته توانست مدال نقره جهانی را به دست آورد.

وی نقش پدر و مادر در به وجود آوردن فضای علمی و تحصیل این موفقیت را قابل توجه دانسته می‌گوید: «مناسب سازی فضای خانواده و تلاش جمعی برای انتقال تجربیات به این جانب بسیار مؤثر در تحصیل این موفقیت بود و فراهم شدن چنین زمینه‌ای را نعمتی الهی می‌دانم که باعث شد چنین شرایط مطلوبی برای من محقق شود.»

وی درخصوص بزرگترین آرزوی علمی خود می‌گوید: «ادامه تحصیل تا مقطع دکتری و وارد شدن در عرصه پژوهش و تحقیقات کاربردی بزرگترین آرزوی من است تا بتوانم گامی نو و تازه در جهان علم برداشته ناگشوده‌ای را به روی بشریت بگشایم.»

احسان آگنج درخصوص ویژگی مشترک دانشمندان بزرگ می‌گوید: «ناامید نشدن از برخی شکستهای ظاهری و زودگذر ویژگی اصلی این دانشمندان بوده است که باعث می‌شد آنها از هر عدم توفیقی بهانه‌ای برای پیروزی بزرگ بسازند و راه پیشرفت را بی‌دغدغه و نگرانی و سرشار از امید طی کنند. چون آنان به توانایی و نیت خود ایمان داشتند و علاقه خود را با پشتکار همراه ساخته بودند.»

وی درخصوص دلایل فرار مغزها از کشور می‌گوید: «کمبود امکانات، علت اول مهاجرت مغزهاست که باعث شده است نخبگان کشور بارورتر شدن استعدادها و توانایی خود را در استفاده از امکانات سایر کشورها ببینند. اگر این معادله نابرابر تغییر یابد لاجرم هیچ دلیل و توجیه قابل قبولی برای خروج از کشور برای نخبگان علمی وجود نداشته، عشق و علاقه به میهن مانع از آن خواهد شد که عده‌ای تخصص و صلاحیت علمی خود را در خدمت بیگانگان قرار دهند.»

وی درخصوص نحوه برخورد با نخبگان علمی کشور می‌گوید: «برخوردها مناسب است اما تقاضای ما این است که فصلی و موقتی نباشد و در گذر سالهای بعد نیز استمرار داشته باشد.»

وی درخصوص نحوه رفتار و برخورد نمایندگان سایر کشورها با نمایندگان ایرانی شرکت کننده در المپیاد جهانی فیزیک گفت: «آنها احترام خاصی برای ایرانیان قایل بودند و دلیل آن، سابقه‌ای بود که از حضور موفق تیمهای ایرانی در این عرصه علمی داشتند. آنها به ما به عنوان تیمی که آمده است نتیجه خوب بگیرد نگاه می‌کردند و برای ایران احترام خاص قایل بودند.»

باز هم درخشیدند*

حتماً هروقت که تلویزیون را روشن کرده‌اید، هنگام پخش آگهی‌های بازرگانی، آهنگی را شنیده‌اید که شباهت زیادی به زنگ خانه‌های قدیمی دارد. «هر روز بهتر از دیروز» آهنگی که با واقعیت همگونی مطلوبی ندارد. برخلاف بسیاری از صنایع و کارخانجات که این شعار را سرداده‌اند و هر روز یک گام عقب‌تر می‌روند، برخی هم هستند که بی آنکه از صبح تا شام در گوش مردم از این سبک شعارها بخوانند، بی ادعا کار خود را انجام می‌دهند و عملکردشان می‌گویند: «هر سال بهتر از پارسال». «سمپاد»، مختصر نام سازمانی است که سیاستش را پرورش استعدادهای درخشان قرار داده است و دبیرستان شهید اژه‌ای اصفهان یکی از مراکز آن، تجربه این سازمان حداقل در این مرکز نشان داده است که به آن سیاست تا حد زیادی جامه عمل پوشانده شده است.

امسال دبیرستان شهید اژه‌ای اصفهان چهار نفر را به اصطلاح روانه «سکو» کرده تا در تاریخ کنکور سراسری ایران - حداقل در سال‌های اخیر - تنها مدرسه‌ای باشد که به این افتخار نایل می‌شود - مجید میرباقری و داوود مرادی رتبه‌های دوم و سوم گروه ریاضی و امید خلیل‌زاده و علی صلواتی رتبه‌های دوم و سوم گروه تجربی میهمان این هفته «جامعه» هستند. «مسیح نیلچیان» هم که رتبه هفتم گروه ریاضی را به خود اختصاص داده، در موعد انجام مصاحبه میهمان امام رضا(ع) بود. با این امید که روزها میزبان او و دیگر افتخار آفرینان اصفهان باشیم.

- حاشیه نمی‌روم. اصلاً فکر می‌کردید که حائز رتبه یک تا سه شوید و یک روزی عکس خودتان را در صفحه اول اکثر روزنامه‌ها ببینید؟
- مرادی: فکر نمی‌کردم ولی حس می‌کردم. جالب است بدانید که از سازمان سنجش به من زنگ نزدند. به مجید و علی زنگ زدند و رتبه‌هایشان را گفتند. من دیگر از یک تا سه قطع امید کردم.
- بعداً چطور شد فهمیدی؟
- مرادی: در تلویزیون عکس خودم را دیدم. قبل از کنکور هم در امتحان جامع سنجش که شرکت کردم رتبه‌ام ۲۰ شد.

* علیرضا صلواتی در گفتگو با مجید میرباقری، داوود مرادی، امید خلیل‌زاده و علی صلواتی فارغ‌التحصیلان مرکز شهید اژه‌ای

○ یعنی برای ۱ تا ۳ درس می‌خواندی؟

● مرادی: نه. اصلاً، اصلاً نمی‌دانم برای چه خواندم. فقط خواندم.

○ بدون هدف!

● مرادی: نه. بدون هدف اصلاً. خواندم که موفق شوم ولی برای رتبه نخواندم. شاید برخی فکر می‌کنند که خیلی انسان‌های «گلی» هستند می‌گویند اصلاً برای رتبه نخواندیم. ولی من جدی می‌گویم. واقعاً برای رتبه نخواندم.

● صلواتی: من قبل از کنکور خیلی فکر می‌کردم که رتبه‌ام زیر ۱۰ می‌شود ولی پس از کنکور چون فکر می‌کردم که امتحان خوبی نداده‌ام دیگر تصور این رتبه را نمی‌کردم. ولی قبل از آن، چون در کنکورهای آزمایشی شرکت کرده بودم و در امتحان جامع هم رتبه‌ام «۵» شده بود احتمال رتبه زیر «۱۰» را می‌دادم ولی ۳ رانه.

○ از ابتدا هم برای این رتبه شروع به خواندن کردی؟

● صلواتی: تقریباً. چرا که من در تابستان سال قبل در اردوی آمادگی جهت امتحان نهایی المپیاد زیست‌شناسی بودم. روی مدال طلا خیلی حساب می‌کردم. ولی نقره داغ شدم. برایم شکست بود و اعتماد به نفسم را از دست دادم. برای اینکه خودم را پیدا کنم بر خود لازم دانستم که باید زیر ۱۰ شوم.

● میرباقری: دور از دسترس نمی‌دانستم. از وقتی شروع به درس خواندن کردم به هر نوعی می‌خواستم این امر را برای خودم میسر کنم. فکر می‌کردم اگر منطقی درس بخوانم موفق می‌شوم. ولی بعد از کنکور من هیچ درصدی را حساب نکردم و چون دوستانم از درصدهای خیلی بالا حرف می‌زدند دیگر ناامید شده بودم تا اینکه زنگ زدند.

● خلیل‌زاده: چون دروس عمومی را خوب نزده بودم با بچه‌های سال گذشته که مقایسه می‌کردم گمان می‌کردم رتبه‌ام زیر ۱۰ شود. از ابتدا هم که شروع کردم بنا را بر رتبه زیر ۱۰ گذاشتم و چون بچه‌های مدرسه سال گذشته ۱ و ۲ شده بودند این امر را غیرممکن نمی‌دانستم.

○ به نوعی، این گفت و گوی ما قرار است راهنمای کسانی باشد که در کنکور ۸۲ شرکت می‌کنند. از این جهت که سبک و سیاق شما در درس خواندن چگونه بوده است و ... می‌خواهم بدانم دقیقاً از چه زمانی برای کنکور شروع کردید؟

● مرادی: من از ابتدا تمام تلاشم را بر روی المپیاد متمرکز کرده بودم. یقین داشتم که در کشور طلا می‌گیرم و حتی اطمینان داشتم که در جهان هم طلا می‌گیرم. ولی در مراحل ابتدایی ماندم و به

یکباره به لحاظ شخصیتی متلاشی شدم. اما چاره‌ای نبود. از اول مرداد شروع کردم برای کنکور و تا پایان تابستان دروس سه سال را تمام کردم و در طول پیش دانشگاهی با جریان مدرسه جلو رفتم.

○ به هر حال فکر می‌کنم، نقش حضور در المپیاد هم در رتبهات مؤثر بود؟

● مرادی: اصلاً، المپیاد با کنکور بسیار تفاوت دارد. دید کنکور کاملاً با دید المپیاد متفاوت است. این تفاوت را در شیمی به جرأت می‌توانم بگویم و همین امر موجب شد که من در کنکور در شیمی همانند بقیه باشم و حتی ضعیف‌تر باشم.

● صلواتی: من تابستان را در تهران و در باشگاه [دانش‌پژوهان جوان] گذراندم. ۲۶ و ۲۷ شهریور بود که نتایج اعلام شد و نقره! دو سه روزی استراحت کردم و از اول مهر برای کنکور شروع کردم.

○ این دو سه روز برای تجدید روحیه کافی بود؟

● صلواتی: بیشتر از این نمی‌توانستم وقتم را تلف کنم. ولی فکر کردم همه ۲-۳ ماه از من جلوترند. بیشتر از این صبر می‌کردم، دچار عذاب روحی می‌شدم.

● میرباقری: می‌توانم بگویم از سال سوم شروع کردم. هم زمان با کلاس‌ها، به گونه‌ای درس می‌خواندم که به نوعی «کنکوری» باشد. تابستان هم که برای المپیاد در تهران بودم.

○ شما هم از ناکامین المپیاد بودید؟

● میرباقری: ناکام نه.

○ ولی فکر می‌کنم تجربه تلخی بود؟

● میرباقری: واقعاً تلخ هم نبود. برای من خیلی مؤثر بود. در درس خواندنم تأثیر زیادی داشت.

○ ریاضی هم مثل شیمی ربطی ندارد؟

● میرباقری: اتفاقاً ریاضی هم هیچ ربطی ندارد. ولی من بچه‌های هم دوره‌مان را که می‌دیدم در طول دبیرستان اصلاً بچه‌های درس‌خوانی نبودند. فقط به فکر المپیاد بودند. ولی در کنکور هم همگی موفق شدند. حالا آن زمان به این شدت نبود که همه زیر ۱۵ شوند ولی زیر ۱۰۰ شدند.

● میرباقری: من فکر می‌کنم طرز فکر کردن آدم را اصلاح می‌کند.

● مرادی: المپیاد، انسان را کمال‌گرا می‌کند. یعنی بچه‌ها دیگر به «چیزهای کوچک» راضی نمی‌شوند. یاد می‌گیرند که کار هم سنگین باشد هم کامل. علی‌همین‌طور بود. به کمال، کنکور خواند. زیست‌شناسی‌اش را به حد کمال رساند.

● خلیل‌زاده: من هم پس از پایان امتحانات خرداد سال سوم شروع کردم.

○ به هر حال قرار گرفتن در سکوی نخست کنکور، تلاشی فراتر از یک تلاش عادی می‌طلبد و یک

برنامه‌ریزی کامل‌تر از همه برنامه‌ها. نحوه کار شما چگونه بود؟

● میرباقری: من چون یک تابستان از بچه‌های دیگر عقب بودم مجبور به یک برنامه‌ریزی کامل بودم. اگر بی‌هیچ ترتیبی شروع می‌کردم اساساً آشفته می‌شدم اما از همان ابتدا یک برنامه کلی تنظیم کردم. یعنی اینکه تا فلان تاریخ این کتاب تمام شود و برای هر روز نیز یک برنامه. فکر می‌کنم موفقیت‌م هم به دلیل عمل کردن به همان برنامه بود.

● خلیل‌زاده: من هر هفته یک برنامه داشتم و اول هفته براساس ضعف‌هایی که در درس‌ها احساس می‌کردم برای طول یک هفته برنامه‌ریزی می‌کردم.

● مرادی: اصولاً نمی‌توان یک برنامه، تدوین نمود که هرکس از آن استفاده کند موفق می‌شود که اگر این چنین بود همه موفق می‌شدند. همانند دوستی که می‌گفت «اگر همه شب‌ها شب قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی». واقعاً اگر بتوان برای هر یک نسخه واحد نوشت که همه موفق می‌شوند. همه رتبه یک می‌شوند. باید به این جمله اعتقاد داشته باشیم که «عدد طرق الی الله بعد و انفسکم» تعداد راه‌هایی به سوی خدا که همان راه موفقیت است، بی‌نهایت است.

یعنی هرکس یک راه مشخص دارد که فقط از همان راه موفق می‌شود. من همه برنامه‌های بچه‌های سال قبل را مقایسه کردم که بهترین را پیدا کنم. آخرش هم فهمیدم باید روشی پیدا کرد که با ویژگی‌های روحی، روانی و حتی توانایی‌های بدنی سازگار باشد.

● صلواتی: من از این برنامه‌ریزی‌هایی که بچه‌ها می‌گویند نداشتم ولی برنامه‌ام را با کنکورهای آزمایشی هماهنگ می‌کردم. همیشه در حرکت سعی می‌کردم تا به گذشته هم نگاهی داشته باشم تا آنها را از دست ندهیم. چرا که به دست آوردن از ریشه، فرصت زیادی طلب می‌کرد.

○ شما در مدرسه‌ای تحصیل می‌کردید که «تیزهوشان» نام داشت. شاید این عنوانی است که بیرونی‌ها، روی شما گذاشته‌اند. اصلاً این عنوان را قبول دارید؟ تیزهوش؟

● مرادی: نمی‌دانم، فکر می‌کنم از نظر معیارها و تست‌های روانشناسی که بخواهیم قضاوت کنیم احتمالاً این بچه‌ها شایسته این عنوان باشند حالا اگر تیزهوش را چه بدانیم.

○ اصلاً تیزهوش یعنی چه؟

● مرادی: فکر می‌کنم آدمی که هرکاری را که بخواهد انجام دهد، درست انجام می‌دهد.

○ می‌توانید تعریفی از تیزهوش ارائه دهید؟

● مرادی: سخت‌ترین سؤال است.

● میرباقری: فکر می‌کنم آدمی که در تیزهوشان قبول شود!

- خلیل زاده: کسی که «تیز» باشد.
- صلواتی: تعریفی ندارم.
- میرباقری: فکر نمی‌کنم مرز خاصی داشته باشد. من خیلی از بچه‌های دیگر مدارس را می‌بینم که در خیلی از زمینه‌ها موفق‌ترند. آن امتحان تیزهوشان، معیار خوبی است ولی کامل نیست.
- مرادی: الزاماً توانایی‌های یک بچه غیر تیزهوشانی کمتر از یک تیزهوش نیست. مثلاً در توانایی‌های اجتماعی آنها جلو‌ترند. بچه‌های ما در این موارد رشد نیافته‌اند.
- مثلاً؟
- مرادی: من خودم اگر سوار تاکسی شوم جناب راننده سرمن کلاه نگذارد ناراحت می‌شوم. شاید اتفاقاتی که پشت سرهم رخ داده باعث شده ما تیزهوش شویم.
- صلواتی: تیزهوشی با پشتکار و سخت‌کوشی ترکیب شده است. همانند کنکور که نمی‌توانیم هرکس رتبه بالا بیاورد بگوییم نابغه است.
- پس با این تعریف شماها، برای من سؤال است که چرا تیزهوشان از بقیه موفق‌ترند؟
- مرادی: این هم به اینکه تعریف ما از موفقیت چه باشد بستگی دارد مثلاً اگر بهترین راننده کامیون‌های ایران را موفق بدانیم مطمئن باشید در تیزهوشان درس نخوانده است.
- مدرسه شما با این هدف تأسیس نشده است که بهترین راننده کامیون را تربیت کند ...
- مرادی: پس بگویید در زمینه تحصیل موفق‌تریم. من بارها با علی بحث کرده‌ام که هرگاه، ما مثلاً به میوه فروشی می‌رویم، طرف می‌فهمد که من بلد نیستم و هرجوری که بخواهد سرمن کلاه می‌گذارد. ما را در این خط انداخته‌اند که اگر انرژی هم داریم باید در زمینه درس صرف کنیم. بالطبع مقدار زیادی از آن جاذبه‌هایی که برای بچه‌های بیرون وجود دارد، در مدرسه ما وارد نشده است.
- اولویت‌بندی کنیم در بین جاذبه‌هایی که برای یک جوان در بیرون وجود دارد و این خطی که شما را در آن «انداخته‌اند» کار اشتباهی کرده‌اند که شما را در این خط انداخته‌اند؟
- مرادی: اصلاً. با تأکید می‌گویم. اگر می‌توانید یک «مشت محکم» هم کنار این کلمه‌ای که من گفتم برای تأکید بگذارید. به طور قطع کار درستی کرده‌اند. من مطمئنم اگر جای دیگری می‌رفتم یک آدم ناجوری می‌شدم، من ممکن بود خیلی راحت به راه‌های بد بروم و این مدرسه نگذاشت.
- میرباقری: برخلاف بچه‌های بیرون به عنوان مثال، اقبال عمومی در مدرسه ما به ورزش خیلی کم است ولی بچه‌های ما سودش را هم دیده‌اند. ضرر نکرده‌اند.
- صلواتی: مطمئن باشید بچه‌های ما در بعضی جاها، از بچه‌های بیرون ضعیف‌ترند. اگر دعوا شود

احتمالاً ما بازنده‌ایم و کتک می‌خوریم.

- خلیل زاده: اینکه بچه‌ها می‌گویند «ما را محروم کرده‌اند» کسی محروم نکرده!
- مرادی: من این را نگفتم. ما، خود چون در این مکان وارد می‌شویم اجازه رفتن به خیلی جاهای دیگر-که حتماً خوب هم نیست-به خود نمی‌دهیم.
- خلیل زاده: من خودم درس خواندن را انتخاب کردم.
- میرباقری: و از چیزهای دیگر محروم نشدی؟
- خلیل زاده: من هرکاری را که دوست داشتم علاوه بر درس خواندن انجام دادم.
- می‌رسیم به جوی که در مدرسه شهید اژه‌ای اصفهان حاکم بود. همه بچه‌ها از فیلتری به نام آزمون ورودی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان گذشته‌اند و در کنار هم قرار گرفته‌اند. این جو حاکم تا چه اندازه در موفقیت شما مؤثر بود؟
- مرادی: جو وحشتناک خوبی بود.
- وحشتناک!

- مرادی: جدی می‌گویم. در آزمون‌های آزمایشی که شرکت می‌کردیم بچه‌ها همه درصدهایشان را به هم می‌گفتند. درس‌هایی را که می‌خواندند به هم می‌گفتند حتی نکات بسیار بسیار ریز را. می‌شد که من کتابی داشتم و هیچ‌کس دیگر هم در کلاس نداشت و این کتاب ۲۰ بار دست به دست می‌شد و تا این حد روابط ما صادقانه بود.
- خلیل زاده: اگر من اینجا نبودم هرگز! همین رقابتی که در مدرسه، بود وقتی که خود را با دیگرانی که همه خوب هستند مقایسه می‌کنی، یقیناً از صفر شروع نمی‌شود. مثلاً اگر در مدرسه‌ای دیگر بودم و چند تا بچه‌ای که از لحاظ اخلاقی رفتار چندان مناسبی ندارند، ممکن بود انحراف هم داشته باشم ولی حضور در بین همه خوب‌ها این امکان را از من گرفت.
- صلواتی: من با داوود و مجید در طول سال مرتب ارتباط داشتم. جو خیلی خوبی بود. آدم در بین این‌ها احساس می‌کرد که «می‌تواند باشد».

○ چی؟

- زیر ۱۰ می‌تواند باشد. در بین بچه‌های بیرون، هیچ‌کدام این احساس را ندارند.
- میرباقری: من هم با داوود موافقم. رقابت هم که در مدرسه ما بود «دوستانه» بود. همین که جو کلی کلاس معطوف به یک مورد خاص باشد بسیار مؤثر است. در کلاس ما، حتی کسانی که از لحاظ معدل هم پایین بودند ذهنشان معطوف به کنکور بود و این یک امر مثبت است.

○ یک تصویری که از بچه‌هایی مثل شما در اذهان عموم وجود دارد این است که کسی که مثلاً رتبه ۲ شده، از صبح که بیدار می‌شود کتاب در دستش است. بر سر میز ناهار کتاب یکی از ارکان اصلی سفره است و به همین ترتیب زندگی ایشان با کتاب گره خورده است و کاری جز کتاب خواندن ندارند.

● مرادی: من که تا سال پیش دانشگاهی تنها کاری که نمی‌کردم، درس خواندن بود. شعر، قصه، موسیقی، المپیاد و هرکاری که به نظرم درس خواندن نبود، انجام می‌دادم. ولی وقتی به پیش دانشگاهی رسیدم معیار سنجش عوض شد. نه اینکه کار دیگری نکنم ولی کارهای متفرقه‌ای که انجام می‌دادم کم‌رنگ‌تر شد. همه اینها در خدمت این قرار گرفت که روحیه مرا برای درس خواندن آماده کند.

○ راضی بودی؟

● مرادی: نمی‌توانستم یک لذت درازمدت را به یک لذت کوتاه مدت بفروشم.
● خلیل‌زاده: من هر روز از درس خواندنم راضی نبودم و فکر می‌کردم که همیشه کم می‌خوانم. سعی می‌کردم با قدم زدن و کارهای نشاط آور، بازده را بالاتر ببرم.
● میرباقری: من سعی می‌کردم از حاشیه کنکور دور بمانم و فقط کارم را درس خواندن قرار دهم البته به این معنا که فکر و ذکرم آن باشد.

● صلواتی: اصلاً به این فکر نمی‌کردم که از صبح تا شب درس خوانده‌ام یا نه. تنها تا زمانی که مغزم اجازه می‌داد، درس می‌خواندم. درس خواندن با بازده و کارآیی آن، حالت یک نمودار زنگوله‌ای دارد. یعنی تا یک جایی مفید است و از آن جا به بعد هرچه بیشتر ادامه یابد، بازده کاهش می‌یابد. من خودم بیشتر از یک ساعت نمی‌توانستم درس بخوانم. زمانی استراحت و سپس ادامه می‌دادم. روزنامه می‌خواندم، تلویزیون هم تماشا می‌کردم.

○ برنامه روزمره یک کنکوری که در خود این توان را می‌بیند که رتبه خوبی کسب کند، چیست؟

● صلواتی: سال کنکور سال تفریح نیست که دو سه ساعت در پارک قدم بزنیم. ولی در حد معمول لازم هم است. برنامه خاصی هم نداشتم چون همیشه در فکر درس بودم.

● میرباقری: واقعاً در این یک سال فکرم را روی درس گذاشتم. نه اینکه خودم را در آن غرق کنم. هرکار را در جای خود انجام می‌دادم.

● خلیل‌زاده: تفریحات من تماشای اخبار ۸ شب، ورزش، ۱ بعدازظهر شبکه خبر، فوتبال‌های جام جهانی بود.

○ همین جا صبرکن. دوران کنکور شما دقیقاً مصادف شده بود با جام جهانی. حتی مسابقات نهایی هم روزهای پایانی شما بود. مسابقات را دیدید؟

- میرباقری: من چون طرفدار استقلال بودم «همه» بازی‌های استقلال را دیدم به علاوه جام جهانی.
- صلواتی: من چون فوتبالی نیستم اهل تماشای آن هم نیستم ولی نمی‌شد از خبر جام جهانی گذشت. بازی‌های خوب را می‌دیدم.
- مرادی: من اصلاً از فوتبال متنفرم هرکجا که فوتبال بود من به یک اتاق دیگر می‌رفتم و در را می‌بستم. اما در برنامه روزانه از ۸ صبح که شروع می‌کردم در ۴-۳ وعده طولانی درس می‌خواندم. حدود ۷-۸ ساعت هم می‌خوابیدم. تفریحاتم هم جهت‌دار بود. مثلاً سینما می‌رفتم اگرچه فیلم‌های خوب کم بود ولی از سربیکاری ناچار بودم. شعر، موسیقی و فلسفه بود. چون محیط انجمن داستان نویسان را هم خلاف رفتارم می‌دیدم و نامناسب، دیگر نرفتم.
- اصلاً از این راهی که تا کنون طی کرده‌اید راضی هستید؟
- مرادی: ناراضی نیستم.
- خلیل زاده: نظر خاصی ندارم ولی اگر از ابتدا شروع می‌کردم از فرصت‌ها بهتر استفاده می‌کردم.
- میرباقری: هنوز کار خاصی انجام نداده‌ایم که بخواهیم مشخص کنیم راضی هستیم یا نه. تازه الان، اول راه است و تا کنون فقط دوران آمادگی را طی کرده‌ایم.
- صلواتی: هیچ وقت در مورد این سؤال فکر نکرده‌ام. شاید نتایج اینطور نشان دهد که باید راضی باشم.
- من سؤالاتم تمام شد. هرچه دلتان می‌خواهد بگویید؟
- صلواتی: خواهش می‌کنم کنکور را بزرگ نکنند، اصلاً تبلیغات برای کنکور را ممنوع کنند. هر سال کنکور را بزرگ‌تر می‌کنند که اصلاً من فکر می‌کنم برعکس است. مثلاً تهرانی‌ها اینقدر همه درگیر کلاس‌ها و ... شده‌اند که کنکور را برای من و امثال من راحت‌تر کرده‌اند.
- میرباقری: بچه‌ها خود را باور کنند و به توانایی‌هایشان ایمان داشته باشند.
- خلیل زاده: یک هدف بگذارند و برای رسیدن به آن تلاش کنند.
- مرادی: من خیلی تشکر می‌کنم از شما که تنها مصاحبه‌کننده‌ای بودید که از ما پرسیدید رمز موفقیت‌تان چه بود. من کار خاصی نکردم. فکر می‌کنم بقیه درس نخوانند تا من سوم شوم. ما چهار تا کنکور را عادلانه دیدیم. در ضمن اینکه همه می‌گویند اول توکل به خدا، مگر ما در دیگر امور زندگی به خدا توکل نمی‌کنیم؟ همین نَفَس هم که می‌کشیم داریم توکل می‌کنیم. این خیلی کودکانه است که فقط برای کنکور به خدا توکل کنیم. زندگی ما، سراسر «توکل» است.

هرچه برای این بچه‌ها بکنیم کم است*

○ می‌خواهم نظر شما را به عنوان مدیر مدرسه‌ای که سال‌های طولانی است فرزندان آن هم در المپیادهای مختلف و هم در کنکور بهترین رتبه‌ها را کسب می‌کنند، درباره علت و علل این موفقیت‌ها بدانم.

● یکی از عواملی که در این موفقیت‌ها مؤثر بوده است، در فضای رقابتی مدرسه، نوعی رفاقت وجود دارد و دانش‌آموزان قبل از اینکه رقیب باشند، رفیق یکدیگر هستند. دیگر اختلاف‌هایی که در سطح جامعه است و نگرانی‌هایی را ایجاد کرده در مدرسه ما کمتر رخ داده و این به واسطه نگاه مثبتی است که بچه‌ها و مسئولین دارند و این یک آرامشی را در فضای مدرسه به وجود آورده که در عین اینکه به تبلیغات سیاسی و اجتماعی بچه‌ها احترام می‌گذارد، از کاهش توانمندی‌های بچه‌ها به شدت جلوگیری کرده است. به علاوه کادر آموزشی که به خصوص در سال‌های آخر دبیرستان کار می‌کند از تجربه علمی بالایی برخوردارند و عامل دیگر، ثباتی است که در سیستم اجرایی مرکز وجود داشته است. ○ شما از ابتدا با بهترین دانش‌آموزان این استان سروکار داشته‌اید. برای برآورده شدن انتظارات ایشان

چه اقداماتی انجام داده و در دست اجرا دارید؟

● تلاش کرده‌ایم به نقاط قوتی که بچه‌ها انتظار دارند پاسخ مثبت دهیم. پس از کنکور و المپیادها سعی می‌کنیم نظرات بهترین‌ها را در جهت بهبود شرایط مدرسه و برآورده شدن انتظارات بچه‌ها به کار گیریم.

○ فکر می‌کنید تا چه حد به این انتظارات پاسخ داده‌اید؟

● به هر حال انتظار بچه‌ها بیش از توان ما است و امکان پاسخگویی به همه انتظارات را نداریم ولی سعی کرده‌ایم تا حدی که در توان داشته‌ایم انجام دهیم ولی هرچه هم برای این بچه‌ها انجام دهیم، کم است.

○

○

○